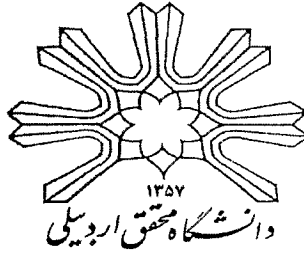


۱۰۵۱۴۶



گروه زبان و ادبیات فارسی

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه محقق اردبیلی  
بخش خدمات فنی

بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار محمود دولت آبادی و میلان کوندرا

توسط:

شهرام پناهی درویش گورنمز

استاد راهنما:

دکتر حسین نوین

استادان مشاور:

دکتر بیژن ظهیری

دانشگاه محقق اردبیلی

مهرماه ۱۳۸۶

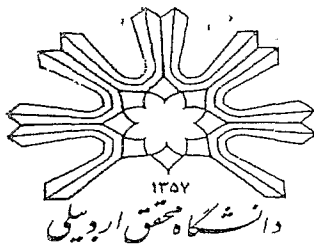
مجموعه اسنادات کتابخانه مرکزی  
دانشگاه محقق اردبیلی

۱۳۸۷ / ۳ / ۷

کتابخانه مرکزی دانشگاه محقق اردبیلی  
شماره ثبت: ۴۰۲۲۸  
تاریخ: ۸۶/۱۰/۹

ب

۱۰۵۱۳۸



بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار محمود دولت آبادی و میلان کوندرا

توسط:

شهرام پناهی درویش گورنمز

پایان نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل - ایران



ارزیابی و تصویب توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر حسین نوین (استاد راهنما و رئیس کمیته) ..... استادیار

دکتر رامین محرمی (داور داخلی) ..... استادیار

خانم دکتر اکرم رحمانی (داور خارجی) ..... استادیار

دکتر بیژن ظهیری (استاد مشاور) ..... استادیار

«سکوت آب می تواند خشکی باشد و فریاد عطش  
سکوت گندم می تواند گرسنگی باشد و غریو پیروزمند قحط  
همچنانکه سکوت آفتاب ظلمات است.  
اما سکوت آدمی فقدان جهان و خداست  
غریو را تصویر کن.»

تقدیم به :

«جاودانگی بامدادی» و معصومیت ترانه های غمگین تراز «آییشکایش»:

## احمد شاملو

به خواب های اطلسین مادرم و ابروان برف پوش پدرم  
به نقاش کهن آرزوهای مومیائی سرزمینم :

## محمود دولت آبادی

و به سرخی تلخ گل صحرائی :

## میلان کوندرا

سپاس از

سیب های ترد و چشمه های مهتای ادب: دکتر احمد ابومحبوب و دکتر عبدالحسین فرزاد  
و همچنین یاد آوران خجسته ی فروتنی و رسالت: دکتر حسین نوین و دکتر بیژن ظهیری

بدرود دانشگاه ؛ مقبره ی مرم، و قطره قطره مردن و بیم و حیرت:

انسان زاده شدن تجسد وظیفه بود

توان دوست داشتن و داشته شدن

توان جلیل به دوش بردن بار امانت

توان خندیدن به وسعت دل، توان گریستن از سویدای جان

و توان غمناک تحمّل تنهایی، تنهایی، تنهایی عریان

انسان دشواری وظیفه است.

نام خانوادگی دانشجو: پناهی درویش گورنمز	نام: شهرام
عنوان پایان نامه: بررسی تطبیقی شخصیت زن در آثار محمود دولت آبادی و میلان کوندرا	
استاد راهنما: دکتر حسین نوین استادان مشاور: دکتر بیژن ظهیری	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
گرایش: -	گرایش: -
دانشگاه: محقق اردبیلی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۶/۷/۱۸
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تعداد صفحه: ۲۰۲
کلید واژه: زن - دولت آبادی - میلان کوندرا - تطبیق ادبی - نقد ادبی	
<p>چکیده:</p> <p>آنچه در این پژوهش پیش روی علاقمندان و منتقدان و کارشناسان مسایل ادبی قرار دارد بررسی شخصیت زن از دیدگاه دو نویسنده نامدار غرب و شرق، محمود دولت آبادی و میلان کوندرا می باشد. کار این پژوهش بر روی آثار محمود دولت آبادی شامل کلیدر، جای خالی سلوچ، روزگار سپری شده، سلوک و مادیان سرخ یال و همچنین بر روی آثار میلان کوندرا شامل جاودانگی، شوخی، آهستگی، بارهستی، عشق های خنده دار و هویت می باشد که با رویکردی علمی و آکادمیک و براساس مولفه های نقد جدید با توجه به مسایل اجتماعی و فرهنگی و نیز سیاسی جوامع ایران و جمهوری چک، پرداخت شده است. بر این اساس در ابتدای پژوهش ضمن توجه به پیشینه ی تحقیق در مورد آثار هر دو نویسنده و معرفی نویسندگان، تک تک آثار آنان در دستور کار قرار گرفت. بدین صورت که ابتدا خلاصه ی هر داستان آورده شده و سپس با توجه به موضوع پژوهش، بحث در مورد شخصیت زن و نقطه نظرهای هر دو نویسنده در مورد زن با توجه به آثارشان مورد نقد و تحلیل قرار گرفت که در این بین اشاراتی هم به تشابه یا تفاوت شخصیت های آفریده شده با خدایانوان اساطیری از منظر روان شناسی شده است و نیز پایان کار تطبیق نظرهای دو نویسنده در مورد زن می باشد و با دیدگاه هایی از قبیل مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی... مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته اند.</p>	

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات
۲	مقدمه
۱۳	اهمیت و ضرورت تحقیق:
۱۴	اهداف کلی
۱۵	۱- تعریف متغیرها:
۱۵	۱/۱- ادبیات تطبیقی
۱۵	۲/۱- نقد زن مدارانه
۱۶	۳/۱- نقد زن نویسنده
۱۶	۴/۱- نقد اساطیری
۱۷	۵/۱- زنیت
۱۷	۶/۱- مادریت
۱۷	۷/۱- فمینیسم
۱۸	۸/۱- زنانگی
۱۹	۹/۱- نقد
۱۹	۱۰/۱- نقد اصالت زن
۲۱	۱۲/۱- رمان
۲۱	۱۳/۱- داستان
۲۲	۱۴/۱- داستان کوتاه
۲۳	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه ی تحقیق
۲۴	مبانی نظری
۲۴	۱/۲- ادبیات تطبیقی
۲۸	۲/۲- ادبیات فمینیسمی

پیشینه ی تحقیق	۴۱
فصل سوم:	۴۱
روش تحقیق	۴۱
روش تحقیق	۴۲
فصل چهارم:	۴۴
بحث و نتایج	۴۴
۱/۴- درباره ی «محمود دولت آبادی»	۴۵
۲/۴- خلاصه و نقد جای خالی سلوچ	۴۶
۳/۴- خلاصه و نقد رمان رشک بر انگیز کلیدر	۷۱
۴/۴- نکاتی چند از کلیدر درباره ی زن	۷۷
۵/۴- خلاصه و نقد سلوک	۸۱
۶/۴- خلاصه و نقد روزگار سپری شده مردم سالخورده	۹۰
۷/۴- خلاصه و نقد آن مادیان سرخ یال	۱۰۰
۹/۴- درباره ی میلان کوندرا	۱۱۲
۱۰/۴- خلاصه و نقد رمان بار هستی	۱۱۳
۱۱/۴- نکاتی چند از بار هستی درباره ی «زن»	۱۱۹
۱۲/۴- خلاصه و نقد رمان جادانگی	۱۲۶
۱۳/۴- نکاتی درباره ی زن از جاودانگی	۱۳۲
۱۴/۴- خلاصه و نقد رمان هویت	۱۳۵
۱۵/۴- نکاتی درباره ی زن از رمان هویت	۱۳۹
۱۶/۴- خلاصه و نقد رمان شوخی	۱۴۳
۱۷/۴- خلاصه و نقد عشقهای خنده دار	۱۴۸
۱۹/۴- نقد روان شناسی اسطوره ای	۱۵۷

- ۲۰/۴ - آفرودیت و زنان تحت تاثیر او ..... ۱۶۴
- ۲۲/۴ - هرا : خدایانوی زناشویی، وفادار به عهد و پیمان و همسر ..... ۱۷۱
- ۲۳/۴ - آرتیمس : خدایانوی شکار و ماه، رقابت جو و خواهر ..... ۱۷۵
- ۲۴/۴ - تطبیق نظریه دو نویسنده ..... ۱۷۹
- ۱/۲۴/۴ - نقش مادری ..... ۱۷۹
- ۲/۲۴/۴ - نقش عاشق و معشوقی ..... ۱۸۱
- نتیجه گیری محدودیت ها و پیشنهادها ..... ۱۸۶
- پیشنهادها ..... ۱۸۸
- محدودیت ها ..... ۱۸۹
- پیوست منابع و مآخذ ..... ۱۹۱



# فصل اول: کلیات

از آنجایی که خوانش آثار ادبی و بخصوص زیباترین نوع ادبی، رمان، دارای شاخصه های ویژه می باشد که هر کدام به صورتهای خود آگاه و یا ناخودآگاه در آثار خلق شده تعبیه می شوند لذا می توان رمان را از زوایای مختلف نقد و بررسی و تحلیل نمود و از هر کدام از این زوایا، به نکات و موارد ارزشمندی دست یافت که می تواند گره گشای بسیاری از مشکلات بشری در عصر حاضر باشد. چرا که ادبیات با توجه به مهمترین ویژگی ابدی و ذاتی اش، که همانا دادن آگاهی بیشتر به انسانها جهت حل مشکلاتشان می باشد، می تواند به عنوان یکی از زیر شاخه های اساسی علوم انسانی و دانش کاملاً بشری، راه گشای بسیاری از ابهامات، و پیچیدگیهای زندگی فردی، اجتماعی و حتی فرهنگی باشد.

با توجه به اینکه اثر ادبی می تواند عصاره ای از وقایح و نیز شرح حال انسانهایی باشد که هم زمان و هم عصر با اثر، اتفاق می افتد، به همین دلیل می تواند یکی از بهترین نمونه ها برای به تصویر کشیدن واقعیات روانی و نیز شخصیتی افراد باشد. نویسندگان ادبی قرن معاصر بر حسب ضرورت زمان و دوره ای که در آن زندگی می کنند، هر کدام، دارای دغدغه های خاص و منحصر به فرد می باشند. در این میان

کسانی موفق بوده اند که دغدغه‌هایی «بشری» داشته و سعی و تلاش نموده اند تا این دغدغه را به شکل گویا به تصویر کشیده باشند.

لذا با توجه به اهمیت موضوع «زن» و شخصیت منحصر به فرد و ژنتیکی خاص او، در اجتماع زندگی و نیز به همین ترتیب در آثار ادبی نویسندگان مطرح جهان، این موضوع در آثار دو نویسنده نامدار قرن، محمود دولت آبادی از ایران و میلان کوندرا از جمهوری چک، مورد نقد و پژوهش قرار می گیرد.

آنچه در این پژوهش مورد قضاوت و نقد و تحلیل قرار گرفته است بررسی شخصیت زن از نظر نقد ادبی و نیز دیدگاه کاملاً علمی و روان شناسانه می باشد و سعی بر آن شده است که به دور از تعصبات ملی و قبیله ای و حتی دینی، تنها به چگونگی به تصویر در آمدن شخصیت زن در آثار این دو نفر پرداخته شده و از هر گونه حکم کلی دادن یا رد و تایید حرکات شخصیت‌های فردی در آثار این نویسندگان پرهیز شود بنابراین ضعف و قوت خصوصیتی بارز و منحصر به فرد در شخصیت غالب از هر کدام از آثار دو نویسنده نمی تواند حکم به قطعیت پذیرفته شدن آن ویژگی از جانب پژوهشگر و حتی خواننده این پژوهش باشد.

با تمام این تفاسیر بد نیست در جهت نشان دادن حسن نیت پژوهشگر مبنی بر ارائه  
ی تصویری واقعی از زن، بخش کوتاهی از آنچه در ادبیات کلاسیک ایران و جهان  
بر زن رفته است آورده شود:

زن یکی از چند کلید راز گشای فرهنگ اقوام است زیرا موجودی است اسرار آمیز  
که همواره دو ساحت داشته: جمال و جلال عشق و زشتی و پستی مرگ. هم بار می  
گیرد و می زاید و بنابراین با مهر زندگی می آفریند و هم می میراند یعنی از فرط  
دلبستگی خود خواهانه جگر گوشه اش را چنان در آغوش می فشارد که نفسش را  
می گیرد اما فرزند بیجان با ورود رمزی به بطن مادر جان تازه می یابد و رستاخیز  
می کند زیرا عشق، که زن مظهر آرمانی آن است چون شعر، خلق مدام است و این  
خلق مدام به دست زن صورت می پذیرد به این معنی که زن از سویی از لحاظ  
جسمی، روحی و نفسی، به مرد حیات می بخشد و از سوی دیگر چون بوته ی  
زرگری است که در آن تضادها، به یمن عشق کیمیا کار از میان بر می خیزد و زمان  
فسخ می شود و زنجیرهای پنهانی می گسلند و سرانجام وحدت آغازین و آرام بخش  
آدمی با کلیتی که برتر از او است و از دست رفته بود دوباره به دست می آید و

بدینگونه زن که مرد را به جهان آورده باری دیگر به وی جانی تازه و زندگانی

گسترده تر اعطا می کند. (ستاری؛ ۱۳۸۴: ۱)

امام محمد غزالی که به گفته ی خود «چهل سال در دریای علوم دین غواصی کرد تا

به جایی رسید که سخن وی از اندازه ی فهم بیشتر اهل روزگار در گذشت» می

گوید: زن که در حقیقت بنده ی مرد است و در دست وی اسیر است، حقا سزاوار

ترجم و احسان و مدارا است. اما جناب غزالی در جایی دیگر از زن چنان یاد می

کند که گویی زن شیطان است و شیطان او را از راه برده است. مثلا در ذکر

خصلتهایی که «حق تعالی زنان را به آن عقوبت کرده است» می آورد:

«چون حوا در بهشت نافرمانی کرد و از آن درخت گندم خورد، حق تعالی زنان را

هشت ده چیز عقوبت فرمود کردن» و نیز «بدان که جملگی خوی زنان بر ده گونه

است و خوی هر یک به صفت چیزی از حیوانات مانده است: یکی چون خوک، دوم

چون کپی (بوزینه) سه دیگر چون سگ، چهارم چون مار، پنجم استر، ششم چون

کژدم، هفتم چون موش، هشتم چون کبوتر، نهم چون روباه، دهم چون گوسفند». و با

این حکم هم شاید خواسته است خللی و ظلمی را که رفته است به اصلاح آورد و

به عدل تدارک کند: «و زنی که خوی گوسفند دارد مبارک بود همچون گوسفند که

اندز همه چیزهای وی منفعت یابی زن نیک همچین با منفعت بود». (ستاری؛ ۱۳۸۴):

(۱۰)

اینگونه نظرها در طول تاریخ و ادبیات ایران، زن ایرانی را بالاجبار به دور از صحنه های فرهنگ ساز نادیده گرفته و نقش زنان در آفرینش این صحنه ها با بی رحمی تمام سرکوب شده و گویی بهانه ای به نام حوا که صرفاً یک اسطوره ی کاملاً دینی است، نافرمانی ابدی برای زن را رقم زده و عقوبتی همیشگی را برای زنان جامعه به ارمغان آورده است. چه بسا دلایل توجیه کننده ی انسانهایی همچون غزالی بستر مناسبی برای سرکوب زن در جامعه ایجاد کرده باشد لکن این بی اعتنائی های ضد بشری از دوران معاصر با وجود نویسندگان، شاعران و روشنفکرانی همچون احمد شاملو، صادق هدایت، فروغ فرخزاد و دولت آبادی که تمامی تلاششان در جهت اعتلای معنای «انسان سالاری» و دادن «آگاهی» به جامعه بوده است متوقف شده و زن ایرانی با پذیرش «صفت زهدانی اش» و با حضوری موفق تر و مهم تر از همه «واقعی تر» به جامعه معرفی شده است، تا دیگر شاهد زن ستیزی های بی رحمانه نباشد. برای ادعای زن ستیزی های گذشتگان می توان اشاره هایی دیگر از شاعران نامی ایران را مثال زد:

«نظامی:

زن گرنه یکی هزار باشد  
در عهد کم استوار باشد  
زن دوست بود ولی زمانی  
چون جز تو نیافت دلستانی  
چون جز تو یکی دگر ببیند  
خواهد که دگر ترا نبیند  
این کار زنان پا کباز است  
افسون زنان بد دراز است

ناصر خسرو:

به گفتار زنان هرگز مکن کار  
زنان را تانوانی مرده انگار  
زنان چو ناقصان عقل و دینند  
چرا مردان ره آنان گزینند

افضل الدین کاشانی:

گر عمر عزیز خوار خواهی زن کن  
در دیده اگر غبار خواهی زن کن  
ماننده ی اشتران بُختی شب و روز  
در بینی اگر مهار خواهی زن کن

جامی:

زن از پهلوی چپ شد آفریده  
کس از چپ راستی هرگز ندیده

«ملک الشعرا بهار» هر چند که در برخی اشعارش به زن با نظر مثبت می نگرد و او را

«شعر خدا» می داند ولی در اشعار دیگرش چنین می سراید:

غایتش زادن است و پروردن

خویش را صد قلم بزک کردن

کارگاه نتاج انسانی است

در طبیعت طبیعتی ثانی است

شغل او افتراج و ایجاد است

هنرش جلب مایه و زاد است

بی سبب عمر خویشتن کاهی

... ای که اصلاح کار زن خواهی

هیچ تدبیر چاره اش ننمود «

زن ز اول چنین که بینی بود

(کدیور؛ ۱۳۸۱: ۱۵)

در واقع زبونی و کوچک شمردن زن که داستانی دراز دارد منحصر به منطقه و فرهنگی خاص نیست و مرد سالاری هنوز در بخش اعظم جهان امروز حاکم است و بسیاری جوامع پدر سالار که می داند زن « از بخت بد» قابل اجتناب نیست و به همین علت که نمی توان ازوگذشت مردان می کوشند تا حوزه ی اختیار و اقتدار او را هر چه تنگتر کنند و از زن تصویری معکوس تصویر خود بسازند تا آنجا که مرد آفریده ی خداوند و تجسم خیرمی شود و زن مخلوق شیطان و مظهر شر.

(ستاری؛ ۱۳۸۴: ۲۳۳)

شایان یاد آوری است که آوردن چنین شاهد مثالهایی، آگاهی دادن برای توسعه پیشرفت و شکوفایی در ابعاد مختلف حیات و در هر فرد ایرانی است چرا که باید



اندیشه های فرهنگی غلط را به جامعه شناسانده و در جهت اعتلای فرهنگ انسان  
سالاری تلاش کرد.

با نگاهی به ادبیات پارسی اعم از رسمی و یا فرهنگ توده ای به عنوان منعکس  
کننده ی تاریخ اجتماعی و فرهنگی ایران در می یابیم که نگاه شاعر و بالتبع نگاه  
جامعه به زن یا به عنوان معشوق ودلبر و از سر هوسبازی است و یا با دیدگاهی  
تحقیر آمیز نگاه به موجودی است ضعیف و ناتوان که سزاوار ترجم و شفقت است

در یک مقایسه ی تطبیقی اشعار و امثال و حکم فارسی می توان دریافت که در  
حالی که مردان به خوش قولی، پایان نگری، داشتن فضل و هنر، معنی پرست بودن  
،امید به آینده، صداقت و خوش عهدی، نگهداری اسرار، سخنوری، تمسک به عمل  
و به حرف ... شهره اند، زنان نیز به جهل، نقض عهد، ناقص العقلی، نازک دلی،  
سست رایی، خوردن و خفتن، مکاری، بد فهمی، ناتوانی در رایزنی، شباهت با مار و  
ازدها، بد اختری، افشای اسرار، بی صلاحیتی برای مشورت، بی ظرفیتی برای تغییر  
و... توصیف شده اند. تردیدی نیست که این ویژگی ها نمی تواند مبنایی برای رابطه  
ی صحیح و انسانی میان زن و مرد و طبعاً جامعه ای متعادل برای برقراری نهادها

دموکراتیک باشد. ( کدیور؛ ۱۳۸۱: ۳۲ )

به راستی از رودکی تا نیما زن ایرانی کجاست؟ آیا کسی که در غزلیات فارسی مصور می شود، حقیقتاً زن ایرانی است؟ سربازانی که به دنبال هوس های محمود غزنوی و تیمور لنگ و امثال آنها جان می باختند، در کجای تاریخ دفن شده اند؟ زنانی که با بدبختی و فقر کودکان پدر مرده ی خود را به دندان می گرفتند و یتیم داری می کردند، کجایند؟

همان هایی که جناب سعدی شیرازی، شاهان و سران میخواره ی زنگیان و اتابکان را به ترحم نسبت به آنان دعوت می کند، آن مادر اصفهانی کجاست که نادر افشار تنها فرزند او را در دهلی مدفون کرده است؟ اشک ها و تنهایی های این زن در کجای ادبیات ما جای دارد؟ (فرزاد؛ ۱۳۸۵: ۱۶۶)

غربی ها با سوق دادن به سوی شبه آزادی و عدم مسئولیت کوشیدند زنان و مبارزات آنان را به سویی دیگر منحرف کنند. اکنون زن غربی واقعا نمی داند با این آزادی مطلق که در حقیقت جبر و سرگردانی است چه بکند زیرا به نوعی دیگر خود را جنس دوم و گرفتار در دست همان خرافه های گذشته می داند البته از نوع مدرنش و سرانجام احساس می کند که آنچه در طلبش بوده نه تنها هرگز به دست نیامده بلکه در آشفته بازار شهوت سالاری بازی را باخته است. (فرزاد؛ ۱۳۸۵: ۱۳۸)

یادآوری می شود که در آثار هر دو نویسنده - همان طور که بعدها خواهد آمد -  
آفرینش ادبی و نیز طرح مسائلی عمده در زندگی انسان ها از قبیل مسایل سیاسی،  
فرهنگی، و هنری به زیباترین شکل ممکن صورت گرفته است و هر کدام از این  
آثار گویای حوادثی تاریخی و فرهنگی از سرگذشت ملتی منحصر می باشد که  
خوانش این آثار می تواند حقایق بسیاری از حیات مردمان این دو سرزمین را، یا  
حقایق بشری را، بر ما آشکار سازد، که در این بین توجه ویژه و اساسی هر یک از  
نویسندگان به کلمه ی «زن» آنقدر پررنگ و قابل توجه است که به خودی خود،  
نگارنده رابه پژوهش در اندیشه های این دو نویسنده و نیز نویسندگان دیگر در مورد  
زن ترغیب کرد که ماحصل اش پژوهش حاضر می باشد که به گمان نگارنده  
استخراج شخصیت «زن» و احساسات و روحیات منحصر به فردش در آثار دو  
نویسنده می تواند بسیاری از مشکلات رفتاری در جوامع امروز را که اساسا در  
شناخت انسانهای مقابل مشکل دارند بر طرف نماید بخصوص برای افراد جوان، می  
تواند راه گشای بسیاری از رمز و رموز عواطف و احساسات و روان بسیار حساس  
زن باشد. حتی خوانش این پژوهش برای زنان نیز می تواند بسیار مفید و موثر باشد  
زیرا که تصمیم گیری و پیش بینی در برابر حوادث زندگی و اینکه کدام عکس العمل

موفقیت را و کدام عکس العمل شکست را در پی خواهد داشت می تواند راه گشای بسیاری از زنان جامعه ی ما باشد. بر این اساس و با این تفاسیر برای این پژوهش، در بیان مساله این سئوالات به نظر می آیند:

۱- اندیشه هایی که در جامعه ی ادبی ایران در مورد زن وجود دارد چه شباهت ها و چه تفاوت هایی با سایر ملل دارد؟

۲- مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی حاکم بر شخصیت زن شرقی و زن غربی ناشی از چیست؟

۳- زن در ادبیات معاصر جهان (آثار دو نویسنده مطرح قرن) چه جایگاهی دارد؟

۴- ایده ها، آرمان ها و اهداف زندگی از دو دیدگاه زن شرقی و زن غربی به کدام سو در حرکتند؟

۵- توجه به روحیات و روان زنانه در آثار ادبی، تا چه حد می تواند راه گشای حل مشکلات زنان در جامعه باشد؟

۶- پیام هر دو نویسنده در آثار شان نسبت به موجودیت زن چیست؟

۷- فرهنگ بومی و آداب و رسوم ملی و محلی، تا چه حد در شکل گیری شخصیت زن نقش دارد؟